

# خدای زنده

جلد دوم  
( روح القدس و کلیسا )



تعليم مسيحي براي بزرگسالان  
طبق سنت كليساهای شرق

سطح عالی

## تفسیر شمایل روی جلد

### شمایل امید ما

اگر با دقت به این شمایل نگاه کنیم می بینیم که عیسی با دست راستش برکت میدهد و در دست چپش کتابی وجود دارد که در آن اسامی همه نجات یافته‌گان طبق مکاشفه یوحنا (باب ۲۱ آیه ۲۷، باب ۱۳ آیه ۸) نوشته شده است، و دور تا دور او انبوه فرشتگان را می بینیم که در جلو آنها دو فرشته ایستاده‌اند که ترازویی در دست دارند، به نشانه داوری در روز آخر. (مکاشفه باب ۵ آیه ۱۱ و باب ۷ آیه ۱۱) بنابراین این شمایل به ما نشان میدهد که در آسمان هستیم.

این شمایل، نشانه و بیانگر امید ما می‌باشد، چرا که همه ایمان دارانی که جنگیدند تا بتوانند کاملاً از هرگونه دلبستگی به تمام بت‌های دنیا پاک شوند، بت‌های مانند تکبر، قدرت طلبی، پول دوستی، خوشگذرانی و غیره. اینها از این گناهان پاک مانده‌اند و توسط خون بره قربانی شده، نجات یافته‌اند و در اینجا دور تا دور عیسی مسیح جمع شده‌اند.

در سمت چپ عیسی، یحیی تعمید دهنده را می بینیم به نشانه‌ای از تمام پیامبران عهد قدیم و در سمت راست او حضرت مریم، نشانه‌ای از قوم عهد جدید را می بینیم، علاوه بر این باید دو کلمه را بخوانیم، یکی در زیر پای یحیی به معنی عادلان، یعنی تمام مقدسین عهد قدیم و در طرف حضرت مریم، کلمه سعادت‌مندان که طبق سخنان مسیح زندگی کردند، "خوشا به حال شما..." (متی باب ۵ آیه ۳ تا ۱۱) در این دو کلمه، به تمام نجات یافته‌گان اشاره شده است که چون تعدادشان بسیار زیاد و انبوه می‌باشد نمی‌توان آنها را نقاشی کرد. طبق مکاشفه، نه فقط از قبیله‌های قوم برگزیده بلکه همه نجات یافته‌گان دور تا دور بره که شبان ما شده است جمع شده‌اند (مکاشفه باب ۷ آیه ۱۷).

در قسمت پایین آنانی را می بینیم که اعطایای خاص روح القدس را یافته‌اند تا بهتر بتوانند در کلیسا خدمت کنند (اول قرن‌تین باب ۱۲ آیه ۲۸). با این خدمات مخصوص که به هر فرد به صورت خاص داده شده و خدماتی که آنها در این دنیا انجام داده‌اند حق دارند به مقام ویژه‌ای در آسمان برسند، همانطور که اسامی آنها در هر قسمت نوشته شده است. در وسط نیمه اول، رسولان را می بینیم و سمت راست آنها شهیدان و سمت چپشان پیغمبران و پایین تر از آنها در وسط راهبان در دست راستشان باکره‌ها و سمت چپ معترفان به ایمان، یعنی در اینجا تمام قوم را می بینیم که در ایمان جمع شده و از او که برخاسته است، زندگی را پذیرفته‌اند.

اینها همه بیانگر امید ما می‌باشد که اکنون طبق انجیل در آن تعمق می‌کنیم:

بالاخره وعده مسیح به انجام رسید: "در خانه پدر من منزل بسیار هست و گرنه به شما می‌گفتم، می‌روم تا مکانی برای شما آماده سازم و آنگاه که رفتم و مکانی برای شما آماده کردم باز می‌آیم و شما را نزد خود می‌برم تا آنجا که من هستم شما نیز باشید" (یوحنا باب ۱۴ آیه ۲ و ۳)

آن زمان او را از رو به رو خواهیم دید: "آنچه اکنون می بینیم، چون تصویری محو هست در آینده، اما زمانی خواهد رسید که او را از رو به رو خواهیم دید (اول قرن‌تین باب ۱۳ آیه ۱۲).

زیرا روح القدس مرا کاملاً به صورت او تبدیل می‌کند: "عزیزان من اینک فرزندان خدا هستیم، ولی آنچه خواهیم بود هنوز آشکار نشده است. اما می‌دانیم آنگاه که او ظهور کند، مانند او خواهیم بود، چون او را چنانکه هست خواهیم دید."

(اولین نامه یوحنا باب ۳ آیه ۲)

حال این افرادی که در پایین جمع شده‌اند را با دقت نگاه کنیم،

در اینجا می بینیم که دور تا دور سر هر کس هاله نوری وجود دارد، به این معنی که در جلال و نور خدا زنده هستند (اولین نامه یوحنا باب ۱ آیه ۵، یوحنا باب ۸ آیه ۱۲). این جلال و نور نشانگر امید مطلق ماست با توجه به اینکه در حال حاضر تجربیات متعدد و سختی را تجربه می‌کنیم اما همیشه این هدف پر شکوه را فراموش نمی‌کنیم و در نظر داریم (رومیان باب ۸ آیه ۱۷ و ۱۸، اول پطرس باب ۴ آیه ۱۲ و ۱۳، باب ۵ آیه ۱۰)

همه با هم خواهیم بود در محبت زیرا این نجات در صمیمیت با خدا نه تنها به راهبان، نه تنها به کشیشان، نه تنها به تعمید شدگان، بلکه به همه آدمیان عادل و بالاخره به تمام خلقت ارزانی شده است.

(اول تیموتائوس باب ۲ آیه ۳، مکاشفه باب ۶ آیه ۹ و ۱۰)

زیرا خدا محبت است. (رومیان باب ۸ آیه ۱۹ تا ۲۱)

## مقدمه‌ای بر جلد دوم

عنوان جلد دوم این کتاب «خدای زنده»، روح القدس و کلیسا است. با علم به این که نام جلد اول آن «عیسای مسیح و روح القدس» می باشد، بنابراین، دلیل انتخاب این دو عنوان را باید توضیح داد. در واقع، عیسی نجات دهنده ما، دو هزار سال قبل در فلسطین زندگی کرد اما با رستخیزش تا به ابد نزد پدر زنده است. اما امروز در این سرزمین، هزاره‌ی سوم را افتتاح کرده ایم و از دیدگاه انسانی می توانیم حس کنیم که زندگی عیسا و اتفاقات خارق العاده‌ی آن از زمان ما بیشتر و بیشتر دور شده است. و ممکن است بگوئیم: «پطرس و یوحنا و دیگر شاگردان چقدر خوشبخت بودند که با عیسی زندگی کردند کاش ما نیز همچون شاگردان این شانس و اقبال را داشتیم». اما ایمان داریم که عیسی زنده است و در هر لحظه نزد پدر برای ما نیایش می کند تا روح القدس به ما داده شود (عبر ۷: ۲۵؛ یو ۱۴: ۱۶). همان اوست که مرتبط کننده عیسی با کلیسا امروز می باشد. همان اوست که سخن عیسی و اعمال شگفت او را به ما یاد آوری می کند (یو ۱۴: ۲۶).

همان اوست که چشم دل‌مان را گشوده تا حضور مسیح را گشوده تا حضور مسیح را در میان خود درک کنیم (مت ۲۸: ۲۰)؛ همان اوست که ما را به حقیقت کامل یعنی عیسی خداوند می رساند (یو ۱۶: ۱۳)، تا روزی که او را روبه رو خواهیم دید (۱ قرن ۱۳: ۱۲)، و باز همان اوست که در قلب ما به مسیح شهادت می دهد و به ما قدرت می دهد تا بتوانیم به محبت و نجات مسیح در خدمت همه‌ی انسان‌ها شهادت دهیم (یو ۱۵: ۲۶-۲۷؛ ۲۰: ۲۱-۲۲).

چون با خواندن جلد اول آن کتاب عده‌ای تعجب کردند که چرا افتتاح هر فصل کتاب با شعر عرفانی شعرای ایرانی بوده است و یاد آوری کنیم که پولس رسول چون در شهر آتن، راز مسیح را اعلام می نمود «به خدای ناشناخته» اشاره کرده و باز شعر شاعران یونانی را نقل قول کرده می گوید: «از نسل او می باشیم» (اع ۱۷: ۲۳، ۲۸). بنابراین، هم چون مجوسیان ایرانی، جوهر زیبای تمدن خود را در تعمق و سپاسگزاری به مسیح تقدیم نماییم.

در جلد دوم این کتاب راز کلیسا را بررسی خواهیم کرد، رازی که مخصوصاً در شورای اسقفان واتیکان دو از این به بعد بررسی شده است. بنابراین، اغلب تعالیم رسمی کلیسا و نامه‌های پاپ ژان پل دوم مخصوصاً نامه رسمی به عنوان «مأموریت نجات دهنده ما» و هم چنین نامه‌ی پاتریارک‌های کلیسای کاتولیک شرق با عنوان «راز کلیسا» را خواهیم خواند.

در نتیجه‌ی هر بحث، متنی از «خلاصه تعلیمات رسمی کاتولیک» که پاپ بندیکت شانزدهم، روز ۲۸ ماه ژوئن سال ۲۰۰۵ در رم، رسمیت آن را اعلام کرده را با عنوان «خلاصه رسمی» اضافه می کنیم، با علم به این که، زمانی که جلد اول کتاب خدای زنده به اتمام رسیده بود، این «خلاصه»

وجود نداشت. که همیشه در کادری جای داده شده و درحاشیه آن شماره‌ی مربوط به آن از تعلیمات کلیسای کاتولیک نوشته شده است.

زمانی که جلد اول را دوباره چاپ نمائیم، قسمت‌هایی از متون «خلاصه تعلیمات رسمی» را اضافه خواهیم کرد، بنابراین، جلد دوم این کتاب از صفحه‌ی ۴۰۱ شماره گذاری شده است. در واقع، مهم است که این متون رسمی را بشناسیم تا بتوانیم آن را با اوضاع فعلی کلیسای خود ربط دهیم، زیرا کلیسای ایران و کلیساهای خاورمیانه در اثر تاریخ طولانی و رنج آور، پیچیده تر شده است.

چون الزامی است اوضاع کلیسا، در خدمت کشور، احیا شود باید وفاداری عمیق نسبت به ایمانمان داشته باشیم تا گمراه نشویم.

علاوه بر بحث‌های مختلف این جلد اینک چند عنوان کتاب به زبان فارسی که به طور کلی با ایمان ما ارتباط دارند، و در کانون یوحنا‌ی رسول موجود می باشد را معرفی می کنیم:

شورای اسقفان واتیکان دو، مخصوصاً نظام نامه «نور جهان»، «به سوی امت‌ها»

نامه‌های پاپ ژان پل دوم: «مأموریت نجات دهنده ما»، «یکی باشند»، و «نور شرقی»

نامه‌ی پاتریارک‌های کاتولیک به مناسبت عید میلاد ۱۹۹۶، به عنوان: «راز کلیسا»

تاریخ مسیحیت در آسیا

اسناد، مباحثی درباره‌ی تاریخ کلیسای شرق، جلد‌های ۱-۳

وحدت گرائی، جلد‌های ۱ و ۲

در نتیجه امیدواریم که با مطالعه‌ی جلد دوم، معنی راز کلیسا و اوضاع کلیسای ما را بهتر درک کرده، همه‌ی ما بتوانیم جهت خدمت به همه‌ی برادران هم وطن، در این راز عمیقاً شریک شده و بهتر به مسیح شهادت بدهیم، تا با قدرت روح القدس، همه با هم به ملکوت خدا برسیم.

**خدای زنده**

**جلد دوم**

**بخش صعود و نزول روح القدس**

**فصل اول :**

**صعود خداوند ما**

سطح عالی

بخش ششم

## صعود مسیح و آمدن روح القدس

قسمت اول : روح القدس کیست ؟

فهرست

۴۰۹	فصل اول: صعود خداوند ما
۴۰۹	قسمت اول: صعود طبق لوقای انجیل نگار
۴۰۹	۱- ابتدا برای آنها درباره ی پادشاهی مسیح صحبت می کند
۴۰۹	۲- او مأموریتی را به عهده ی آنها می سپارد
۴۱۰	۳- او بدیشان اعلام می نماید که جهت توانایی انجام این مأموریت، «به قوت از اعلا آراسته خواهند شد» (لو ۲۴: ۴۹)
۴۱۲	خلاصه ی تعلیمات رسمی
۴۱۲	۴- معنی زمان فعلی ما چیست؟
۴۱۶	خلاصه ی تعلیمات رسمی
۴۱۸	قسمت دوم: شمایل و سرود مخصوص صعود

## فصل اول صعود خداوند ما

### قسمت اول: صعود طبق لوقای انجیل نگار

این زمین را از برای خاکیان آسمان را مسکن افلاکیان (مثنوی، اول، ۲۳۸۶)

(قبل از خواندن متن ذیل، اع ۱: ۱-۱۱ را بخوانیم)

لوقای قدیس، جریان صعود عیسارا در آخر انجیل خود (لوقا ۲۴: ۵۰-۵۲) و نیز در کتاب اعمال رسولان (اع ۱: ۱-۱۱) که از نوشته های خود او می باشد شرح داده است. مرقس قدیس نیز در آخرین باب انجیل خود در این مورد منتهی باختصار بیشتر سخن گفته است (مرک ۱۶: ۱۵-۱۹).

#### ۱- ابتدا برای آنها درباره ی پادشاهی مسیح صحبت می کند

شاگردان از وی سؤال کردند: «آیا در این وقت ملکوت را بر اسرائیل باز برقرار خواهی داشت؟» (اع ۱: ۶) عیسا جواب داد: «از شما نیست که زمان ها و اوقاتی را که پدر در قدرت خود نگاه داشته است بدانید». به علاوه، عیسا قبلاً در روز پنجمشنبه ی مقدس به شاگردان خود گفته بود: «در خانه ی پدر من... می روم تا برای شما مکانی حاضر کنم و اگر بروم و از برای شما مکانی حاضر کنم باز می آیم و شما را برداشته با خود خواهم برد تا جایی که من می باشم شما نیز باشید» (یوحا ۱۴: ۲-۳). بنا بر این، ورود به خانه ی پدر به همراه مسیح، پادشاه اسرائیل، برای شاگردانی که در انتظار پادشاهی قوم اسرائیل به سر می برند امری واقعی خواهد بود. قوم اسرائیل از زمان اشعیا، نبی بزرگ (سال ۴۷۰ قبل از مسیح) که پادشاهی مسیح را (که سلطنت داود پیشنهاد آن بوده است) قویاً اعلام کرده بود در انتظارش به سر می برد، این پادشاهی با نخستین ظهور مسیح شروع می شود اما فقط به هنگام دومین ظهور وی در کمال غنای پیروزمندانه به حقیقت خواهد پیوست.

#### ۲- و مأموریتی را به عهده ی آنها می سپارد

شاگردان بایستی مقدمات این بازگشت پر جلال و این دومین ظهور مسیح پادشاه را با انجام مأموریتی که عیسا هم اکنون به ایشان می سپارد آماده کرده تسریع نمایند (ر. ک ۲ پطرس ۳: ۱۲). «شاهدان من خواهید بود در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای

جهان» (اع: ۸: ۱). این مأموریت در آخر انجیل متا (۲۸: ۱۹-۲۰) نیز چنین یادآوری شده است: «رفته، همه ی امت هارا شاگرد سازید و ایشان را به اسم پدر و پسر روح القدس تعمید دهید و ایشان را تعلیم دهید که همه ی اموری را که به شما حکم کرده ام حفظ کنید و اینک من هر روزه تا انتضای عالم همراه شما می باشم». باید خاطر نشان کرد که درخواست عیسا از رسولان برای رفتن به اقصا نقاط جهان بعید به نظرمی رسد چون در آن زمان رفت و آمد به سختی انجام می گرفت و رسولان با داشتن شغل ساده ی ماهی گیری، اشخاص فقیری بودند و بنابراین با پای پیاده آمد و شد می کردند. ولی با این وجود، رسولان این مأموریت را انجام خواهند داد و تعلیمات آنها نه تنها تا دورترین نقطه شناخته شده زمین رسوخ خواهد نمود بلکه توسط شاگردان، رسولان زمین را نیز دور خواهد زد. ما حتا امروز هنگام دریافت تعمید، از دستوری که مسیح رستاخیز کرده درست قبل از صعودش داده بود تبعیت می نمایم و از این راه شاهدان رستاخیزی می گردیم. بدین ترتیب، کلیسا علت وجودی خود را در این رسالت مقدس که خود مسیح به او واگذار می کند می یابد. کلیسا باید به رستاخیز، شهادت داده «خبر خوش» را به تمامی ملت ها بشارت دهد. هم چنین کلیه ی انسان هایی را که به وسیله ی گناه پراکنده شده اند جمع نماید و دل های مسکین را به میهمانی ملکوت آسمان دعوت کند.

۳- او بدیشان اعلام می نماید که جهت توانایی انجام این مأموریت، «به قوت از اعلا آراسته خواهند شد» (لوقا: ۲۴: ۴۹)

«او ایشان را قدغن فرمود که از اورشلیم جدا مشوید، بلکه منتظر آن وعده ی پدر باشید که از من شنیده اید، زیرا که یحیا به آب تعمید می داد لیکن شما بعد از اندک ایامی به روح القدس تعمید خواهید یافت»... «چون روح القدس بر شما می آید قوت خواهید یافت». (اع: ۱: ۴، ۵، ۸)، «قوتی که از اعلا خواهد آمد» (لوقا: ۲۴: ۴۹). بنابراین، خدای روح القدس به نزد آنها خواهد آمد. هم چنان که مسیح قبلاً در پنجمین وعده ی مقدس چنین وعده داده بود: «من از پدر سؤال می کنم و مدافع دیگری به شما عطا خواهد کرد... یعنی روح راستی» (یوحنا: ۱۶: ۱۷-۱۶). «رفتن من برای شما مفید است زیرا اگر نروم آن مدافع نزد شما نخواهد آمد و اما اگر بروم او را نزد شما می فرستم» (یوحنا: ۱۶: ۷). «او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آن چه به شما گفتم به یاد شما خواهد آورد» (یوحنا: ۱۴: ۲۶)... «چون او یعنی روح راستی آید شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد». (یوحنا: ۱۶: ۱۳)... «چون مدافع که او را از جانب پدر نزد شما می فرستم آید یعنی روح راستی که از پدر صادر می گردد<sup>۱</sup> او بر من شهادت خواهد داد و شما نیز شهادت خواهید داد» (یوحنا: ۱۵: ۲۶-۲۷).

۱- جمله ی کامل عبارت است از: «ایمان دارم به روح القدس که از پدر صادر می شود». ابراز قانون ایمان از این الهام مسیح گرفته شده است. در کلیسای لاتین در قرن هفتم کلمه ی پسر به زبان لاتین *Filioque* اضافه شده، و امروز این جمله چنین خوانده میشود: «ایمان دارم به روح القدس که از پدر و پسر صادر می شود». و این موضوع باعث خدشه دار شدن اتحاد گردیده است.



پس از آن که مدتی به این ترتیب برای آنها صحبت کرد «ایشان را بیرون از شهر تا بیت عنیا برد و دست های خود را بلند کرده ایشان را برکت داد. و چنین شد که درحین برکت دادن ایشان از ایشان جداگشته به سوی آسمان بالا برده شد» (لو ۲۴: ۵۰-۵۲)، «به دست راست خدا بنشست»<sup>۲</sup> (مر ۱۶: ۱۹). این همان رویدادی است که ما نام صعود بر آن می نهیم. «... ابری او را از چشمان ایشان در ربود و چون به سوی آسمان چشم دوخته بودند هنگامی که او می رفت ناگاه دو مرد سفید پوش نزد ایشان ایستاده گفتند: «ای مردان جلیلی چرا ایستاده به سوی آسمان می نگرید؟... همین عیسا که از نزد شما به آسمان بالا برده شد باز خواهد آمد به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید» (اع ۹: ۱-۱۱). شاگردان سپس «با خوشی عظیم به سوی اورشلیم برگشتند» (لو ۲۴: ۵۲).

شادی این مردان از کجا می آید، در حالی که تمام قرائن نشان می دهند که آنها می بایست به سبب رفتن استاد محبوبشان غمگین باشند؟ دلیلش این است که آنها قبل از هر چیز وعده را از طرف فرستادگان خود خدا که می گویند: «او باز خواهد آمد» دریافت می دارند. علاوه بر این، آیا او درست قبل از ترک آنها، آمدن قریب الوقوع «مدافع دیگری» را که آنها را آکنده از راستی و شادی خواهد کرد وعده نداده است؟

بالاخره و مخصوصاً آنها واقف هستند کسی که از نزد آنها به سوی آسمان بالا برده شد، زنده است و تا روز آخر با آنها خواهد بود و می دانند که او رفته تا نزد پدر جائی برای آنها آماده نماید. آیا او با سرشت انسانی خود همان سرشت شاگردان و سرشت ما نیز هست، با بدن جلال یافته خود یعنی بدن شاگردان و بدن ما به آسمان صعود نکرد؟ جسم مسیح به آسمان صعود نمود و این جسم، تمام درهای سلطنتی آسمان را به روی ما باز خواهد کرد تا مانند مسیح به دست راست پدر بنشینیم. آری از این به بعد درهای آسمان به روی همه ی انسان ها باز است (ر. ک اش ۱۹: ۶۳).



«ای دروازه ها سرهای خود را برافرازید!

ای درهای ابدی برافراشته شوید

تا پادشاه جلال داخل شود!

این پادشاه جلال کیست؟

خداوند قدیر و جبار، خداوند که

در جنگ جبار است.

ای دروازه ها سرهای خود را برافرازید!

ای درهای ابدی برافرازید

تا پادشاه جلال داخل شود!

این پادشاه جلال کیست؟

یهوه صبا یوت پادشاه جلال اوست» (مز ۲۴: ۷-۱۰).

۲- جمله ی کامل عبارت است از: «به آسمان برده شد و به دست راست پدر نشست» است «ابراز قانون ایمان از این متن گرفته شده و این همان چیزی است که در آیین عبادت آن را «جلوس به دست راست» می گویند.

مسیح با صعود خود آشکارا آن چه را گناه اولیه، انسان هارا از هم جدا ساخته بود یعنی جسم های انسانی ما و جسم های آسمانی را با هم آشتی می دهد. و به همین دلیل است که در یکی از دعاهای مربوط به صعود چنین گفته می شود: «مسیحا! پس از دوش گرفتن سرشت گمراه انسان ها، صعود کردی و آن را به حضور خدای پدر تقدیم نمودی» و در دعای دیگر چنین گفته می شود: «سرشت ما که قبلاً سقوط کرده بود بالاتراز فرشتگان برده شد و بر تخت الاهی طوری قرار گرفت که هر عقلی از تصور آن قاصر است».

صعود، کار پسر را که از زمان تن گرفتن وی شروع شده بود تکمیل می نماید. یعنی او سرشت عزل شده ی انسانی را بر خود گرفت و «... صورت غلامان را پذیرفت... خوب شدن را فروتن ساخت و تا به موت بلکه به موت صلیب مطیع گردید و... به غایت سرافراز گردید» (فی ۲: ۶-۹) و سرشت ما نیز به همراه اوست. صعود یعنی جلال یافتن مسیح که به هنگام شکنجه و عذاب تحقیر شده بود تا «به نام عیسا هر زانوئی از آن چه در آسمان و بر زمین است خم شود و هر زبانی اقرار کند که مسیح خداوند است برای تمجید خدای پدر» (فی ۲: ۱۰-۱۱).

صعود مسیح، جلال یافتن سرشت خود ما که عیسا برای رهائی و نجات آن از سقوط و مرگ آمده بود نیز می باشد. بنابراین آیا شاگردان با درک همه این چیزها می توانستند در «خوشی عظیم» فرو نروند؟ (ر. ک ۱-۳: ۵-۱).

### «خلاصه ی تعلیمات رسمی»

۱: صعود مسیح چه اهمیتی دارد؟  
در طول چهل روز مسیح به رسولانش با سیمای انسانیت معمولی، که جلال او رابه عنوان رستاخیز شده می پوشانده، ظهور کرد و بعد به آسمان صعود کرده و به دست راست پدرنشسته است. او خداوند است که از این پس با بشریت خود در جلال ابدی پسر خدا پادشاهی می کند و پیوسته و مدام نزد پدر برای ما شفاعت می کند. روح القدس خود را می فرستد و به ما امید می دهد که در جایی که محلی را برای ما مهیا ساخته به او بپیونددیم.

### ۴- معنی زمان فعلی ما چیست؟

«از آغاز به آغازی دیگر، تا آغاز ابدی برویم» (گری گوری یوس، اسقف نازیپانس در آسیای صغیر، قرن چهارم).

جوان: رسولان چه قدر خوشبخت بودند که عیسا را روبه رو دیدند و مزده را مستقیماً شنیدند. اما ما این فرصت را نداشتیم و ما از حضور او محروم و زمان فعلی ما پوچ و بی معناست. قبل از آمدن پر جلال او این زمان چه معنا دارد؟



پیر: آیا فکر می‌کنی که بعد از صعود استادشان، رسولان به آسمان چشم دوخته، آمدن پیرجلال خداوندشان را منتظر ماندند؟ حرف این دو فرشته را بعد از صعود یادآوری کنیم: «ای مردان جلیلی چرا این طور می‌مانید و آسمان را می‌نگرید؟» (اع: ۱۱).



جوان: عیسا قول داده که برخواهد گشت تا ما را در جلال خود ببرد، اما چون در این انتظار می‌مانیم چه باید کرد؟ باز هم تکرار می‌کنم این زمان ما چه معنا دارد؟



پیر: برای این که به این سؤال‌تان با دقت جواب دهیم باید معنی مختلف مراحل زمان را با دقت بنگریم. در واقع زمان ما هدف دارد؛ چون شروعی داشته: «در آغاز، خدا آسمان و زمین را خلق کرد...» (پید: ۱) و هم چنین هدف غایی خواهد داشت: «بلی، به زودی می‌آیم» (مکا: ۲۲: ۲۰) با این دو جمله، کتاب مقدس افتتاح و خاتمه می‌یابد. البته خدا در زمان ما نیست، زیرا «او هست، یهوه» «کامل در یک لحظه» بنابراین «بدون تکامل بلکه ابدی و لاتغیر». برعکس، تمام خلقت مخصوصاً انسان پیشرفت کرده و به سوی رشد و تعالی می‌رود. و خدا راز خود را تدریجاً الهام می‌کند و انسان را از راه اتفاقات زندگی خود و در طول تاریخ بشر تربیت می‌کند. در این جا می‌توان مابین کتاب مقدس و قرآن به تفاوتی توجه کرد، زیرا برطبق دیدگاه مسلمانان قرآن «محفوظ عندالله» و غیر مخلوق می‌باشد و بر محمد در شب قدر یک دفعه نازل شد، پس ظاهراً زمان فعلی برای ایشان خالی می‌باشد و در انتظار روز آخر می‌مانند.



جوان: فکر می‌کردم که کلیسا تکامل خلقت را قبول نمی‌کرد.



پیر: آیا این دنیا نتیجه‌ی تکاملی در زمان بسیار طولانی، یا در یک لحظه به وجود آمد، موضوعی است که علم باید جواب دهد. کتاب مقدس درباره‌ی خلقت در هفت مرحله صحبت می‌کند، یعنی هفت روز که مربوط به روزهای بیست و چهار ساعت ما نیست (پید: ۱-۳-۵... گویا در این روز اول خورشید وجود نداشت): بنابراین، اگر قبول کنیم که خدا با محبت خود، پیشرفت و تکامل این دنیا را همراهی می‌کند و ایمان داشته باشیم که جهت خلقت انسان «به صورت خود» مستقیماً دخالت کرده، می‌توانیم اندیشه‌ی تکامل را بپذیریم. اما در این جا، فکر ما درباره‌ی خلقت نیست بلکه درباره‌ی وحی راز خدا به صورت مراحل می‌باشد.



جوان: ولی در طبیعت، این تکامل را نمی‌بینم، گویا زمان تکرار می‌شود توسط آهنگ فصول.



پیر: بله، در طبیعت، فصول ظاهراً تکراری است و در نتیجه بعضی از ادیان زمان را دوره‌ای در نظر گرفته، فقط زمان تکرار می‌شود. و انسان گویا در این دوره محبوس می‌باشد و هدف کوشش و ریاضتش اینست که از این زمان تکراری، آزاد شده- در یک ابدیت ثابت وارد شده، وجود او حل شود (نیروانا). اما توجه کنید که در این جا، این دیدگاه، مربوط به خلقت و دنیای خالی ما می‌باشد. حال درباره‌ی زمان وحی راز خدا و مراحل آن بحث کنیم.



می توان چند مرحله در این زمان تمیز داد:

**الف -** زمان آغاز که با خلقت پراز برکت که زخمی شده توسط گناه آدم، کشتن برادر توسط قابیل، نفوذ جهانی گناه در زمان نوح، و تکبر انسان در زمان برج بابل.

**ب -** زمان عهدهای خدا با انسان: تدریجاً خدا تاریخ بشر را با عهدهای مختلف خود، به سوی نجات دوباره جهت می دهد:

- زمان پدرسالاران با وعده تولد یک پسر (اسحاق) بنابراین، یک آینده و یک سرزمین.

- زمان آزاد ساختن قوم و برقرار کردن آن در سرزمین موعود با موسا و یوشع و داوران.

- زمان ملکوت زمینی همراه پایتخت و معبد باشکوه با داود و سلیمان، همراه با وسوسه ی بت پرستی، بنابراین، اشفاق در قوم و سلطه جوئی امت های هم جوار. ولی خدا قول می دهد نجات دهنده ای خواهد آمد که مسیح پسر داود خواهد بود.

- زمان تبعید، تجربه ی سخت و طولانی که قوم را از بت پرستی خود پاک می سازد و خدا وعده می دهد که توسط یک خادم رنج دیده و وفادار، نجات خواهد داد.

- زمان امید و انتظار «باقی مانده ی کوچک» با بازگشت از تبعید، ساخت معبد دوم کوچک تر و پایتختی با فروتنی بیشتر و ایمان داران در برابر سکوت ظاهری خدا و پیامبرانش آمدن مسیح موعود، احیای اورشلیم نوین و اتحاد مجدد دوباره ی قوم خدا را انتظار می کشیدند.

**ج -** کمال زمان با تن یافت پسر خدا (مر ۱۵: ۱؛ غلا ۴: ۴) که کمال راز پدر را بر ما مکتشف می سازد و توسط صلیب و رستاخیزش ما را نجات می دهد. در او که آدم نوین می باشد، قوم خدای نوین و خلقت نوین را افتتاح می کند. پسر خدا با تن یافت در محدودیت های زمان بشر وارد شده است.

اما با رستاخیزش و صعودش سوی پدر انسانیت ما را به ابدیت رساند. بیرون از زمان معمولی ما، (امروز رستاخیز)، یکشنبه یعنی افتتاح هفته ی نوین یا روز هشتم. یعنی بیرون آمدن از زمان خلقت در هفت روز باعث می شود که (امروز رستاخیز) در هر روز زندگی ما ارتباط داشته باشد. «من هر روزه تا انقضای عالم با شما هستم» (مت ۲۸: ۲۰)؛

توسط رستاخیزش از محدودیت های این دنیا و زمانش خارج می شود تا ما را به زمان نوین، یعنی یک امروز بی پایان با روز هشتم وارد می کند چون او تا به ابد نزد پدر زنده است تا برای ما شفاعت کند (عبر ۹: ۲۴)؛

و به شاگردانش قول می دهد در زمان این دنیا همیشه با ایشان خواهد بود: «اینک همیشه تا انقضای دنیا با شما هستم» (مت ۲۸: ۲۰). این وعده ی خداوند، ما را به سوی زمان نوینی که دیگر زیر تهدید مرگ نیست رهنمون می سازد زیرا او که نوبر برخاستگان از مرگ است و تا به ابد زنده می باشد، راه را به سوی پدر گشوده است.

**د -** زمان آخر یعنی آخرین مرحله ی زمان، که زمان همکاری روح القدس و کلیسا است. در

واقع، اگر در مسیح همه چیز به اتمام رسیده است باید نجاتش به تمام ملل نوید داده شود. بعد از رستاخیز عیسا، شاگردانش فکر می کردند که زمان به اتمام رسیده است با علم به این که این روز آخر توسط عیسا افتتاح شده است: «پس آنانی که جمع بودند، از او سؤال نموده، گفتند: «خداوندا آیا در این وقت ملکوت را بر اسرائیل باز برقرار خواهی داشت؟» بدیشان گفت: «از شما نیست که زمان ها و اوقاتی را که پدر در قدرت خود نگاه داشته است بدانید. لیکن روح القدس بر شما می آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان.» چون این را گفت، وقتی که ایشان همی نگرستند، بالا برده شد و ابری او را از چشمان ایشان در ربود.» (اع: ۱: ۶-۹).

- زمان ما، زمان آخر هست زیرا در عیسا وحی خدا به کمال داده شده است و هیچ نوع مرحله ی دیگر در نظر گرفته نشده است که این مکاشفه را کامل کند. زیرا اگر این طور نباشد، عیسا پسر خدا نیست و راز پدر را بر ما مکشوف نساخته است. (یو: ۱۶: ۱۳-۱۵).

- این مرحله ی آخر، زمان آئین کلیسا می باشد که در آن تمام عمل نجات که در عیسا به تکامل رسید را یادآوری می کنیم (یو: ۱۴: ۲۶؛ ۱۶: ۱۳).

و توسط قدرت روح القدس، این یادآوری مسیح را در زمان فعلی حاضر می سازد: «این را به یاد من انجام دهید» (لو: ۲۲: ۱۹؛ ۱ قرن ۱۱: ۲۴-۲۵).

به صورت راز مقدس، ظهور جشن ملکوت آسمانی و ضیافت آینده آن حاضر است که امروز می توانیم در آن شریک شویم.

- این مرحله، زمان شهادت ما با قدرت روح القدس و زمان مأموریت کلیسا است که وظیفه دارد نجات مسیح را جهانی سازد تا عیسا بتواند کم کم همه ی ارزش های هر تمدن را به عهده گرفته و تمام خلقت را در خود که رأس آن است خلاصه کرده آن را به پدر تقدیم کند (افس: ۱: ۱۰؛ کول: ۱: ۱۶).

فقط وقتی کلیسا این مأموریت را به اتمام برساند، روز آخر خواهد

آمد. «لازم است که انجیل، اول بر تمامی امت ها موعظه شود» (مر: ۱۳: ۱۰)

ح - روز آخر، «و چون به سوی آسمان چشم دوخته می بودند، هنگامی که او می رفت، ناگاه دو مرد سفیدپوش نزد ایشان ایستاده، گفتند: «ای مردان جلیلی چرا ایستاده، به سوی آسمان نگرانید؟ همین عیسا که از نزد شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید.» (اع: ۱۰: ۱۱-۱۰) روز آمدن پرجلال عیسا که روز رستاخیز همه ی مردگان و داوری خواهد بود، می آید تا ما را برای همیشه نزد پدر برد، که این روز آخر هدف خلقت و تمام زمان دنیامیباشد: «چنان



که ما را پیش از بنیاد عالم در او برگزید تا در حضور او در محبت مقدس و بی عیب باشیم» (افس ۱: ۴).

و در رنج شهادت، کلیسا صبر کرده فریاد می زند: «آمین، بیا خداوند ما بیا، ماران آتا» (مکا ۲۲: ۲۰).

این همان تعلیم کلیسا و خلاصه ی آن می باشد :

#### « خلاصه تعلیمات رسمی کلیسا »

۱- چرا مأموریت های پسر و روح القدس، جدا ناپذیر هستند؟  
در راز سه گانه ی اقدس غیرقابل تقسیم، پسر و روح القدس، متمایز ولی جدا ناپذیر هستند. در واقع، از آغاز تا پایان زمان، وقتی پدر، پسر خود را می فرستد، روح القدس خود را نیز می فرستد که ما را توسط ایمان به مسیح متحد می سازد، تا بتوانیم به عنوان فرزند خواندگان، خدا را پدر خطاب نمائیم (روم ۸: ۱۵). روح القدس نامرئی است ولی توسط اعمالش وقتی که کلام خدا را بر ما وحی می نماید و در کلیسا عمل می کند، او را می شناسیم. «

۲- شروع و اتمام کلیسا چگونه می باشد؟  
کلیسا در طرح ابدی خدا شروع و اتمام خود را می یابد. در عهد قدیم توسط انتخاب قوم اسرائیل به عنوان نشانه ای از جمع آوری آینده همه ی ملت ها آمادگی پیدا کرد. کلیسا که بر کلام و عمل عیسی مسیح تأسیس شده، مخصوصاً توسط مرگ نجات بخش و رستاخیزش به کمال رساند سپس توسط نزول روح القدس در روز پنجاهه به عنوان راز نجات آشکار گردید، و در اتمام زمان ها کمال خود را به عنوان مجمع آسمانی همه ی نجات یافتگان خواهد یافت.

۳- طول سال عبادتی، کلیسا راز مسیح در کمال خود از تن یافتی او تا بازگشتش در جلال را جشن می گیرد. بعضی روزها، کلیسا با شفقت خاص، مریم عذرا مادر خدا را گرامی می دارد. و نیز یادبود مقدسینی که زندگی خود را جهت مسیح وقف کرده، با او رنج کشیده و با او در جلال زندگی می کنند را یادآوری می کند.

۴- در طول روز، آئین ساعت های خاص که نماز عمومی و عادی کلیسا می باشد، نیایش مسیح با تن خود برقرار میکند. از راه این آئین، راز مسیح که مخصوصاً در راز سپاسگزاری برگزار می کنیم اوقات هر روز را تقدیس کرده و به تجلی میرساند. به صورت خاص با مزامیر و متون دیگر از کتاب مقدس، همراه با متونی از پدران کلیسا و معلمین روحانی تشکیل میشود.

۵- تقدیس خادمین رازی است که مأموریت واگذار شده توسط عیسا به رسوالتش در کلیسا، اسقفان و کشیشان و شماسان همراه با تعمید یافتگان تا روز آخر ادامه می یابد.

۶- چگونه آمدن خداوند در جلال به تحقق خواهد پیوست؟  
آمدن پرجلال مسیح بعد از آخرین متزلزل شدن تمام این گیتی که جهانی گذراست، همراه با پیروزی مطلق خدا در باز آمدن مسیح همراه با داوری آخر، خواهد رسید، و این طور ملکوت خدا به تحقق خواهد پیوست.

سوال برای تعمق بیشتر:

۱- در کتاب اعمال رسولان، لوقا اشاره می کند که صعود چهل روز بعد از رستاخیز به وقوع پیوست این عدد چه معنایی دارد، و طبق متن لوقا، عیسا به چه دلیل می بایست چهل روز باشاگردان بماند؟

۲- عیسا به اعماق هاویه فرورفته و به بالاترین آسمان ها صعود کرده، با در نظر گرفتن نقشه ی دنیا طبق باور پیشینیان این اتفاق چه معنایی دارد؟

۳- در ارتباط با اقتدار مسیح، او چه اقتداری به رسولانش قبل از صعود داده است؟ چرا؟

۴- مأموریت عیسا در طول زندگی او از دیدگاه زمان و مکان بسیار محدود بود، اما مأموریت کلیسا از لحاظ جغرافیایی و تا به ابد از لحاظ زمانی جهانی است چرا؟

۵- آیا عیسا با صعودش به آسمان کلیسای خود را ترک نموده؟ پس چگونه عیسا مأموریت کلیسا را همراهی می کند؟ (عبر: ۲۰:۲۵-۶:۱۵-۱:۲۸-۱:۲-۱:۲).

کتاب برای مطالعه بیشتر :

۱- وفاداری .

۲- صعود مسیح

## قسمت دوم

## شمایل و سرود مخصوص صعود

چشم دل باز کن که جان بینی و آن چه نادیدنی است آن بینی (هاتف اصفهانی)

اکنون بیایید با نگرستن به شمایل عید صعود (بخش ششم، قسمت دوم) که آن را عینیت می بخشد و گوش فرادادن به دعائی که در ستایش صعود خوانده می شود در مفهوم آن تعمق نمایم.

در قسمت فوقانی شمایل، در وسط دایره های بزرگ هم مرکز که بیانگر آسمان می باشند می توانی مسیح را که در کبریا نشسته است ببینی. او با دست راست برکت می دهد و در دست چپ طوماری است نماینگر کلامی که روی زمین تعلیم داد. او در میان دو فرشته قرار دارد.

**جوان :** بله، و من حتا به این نکته توجه کرده ام که مسیح، ردایی با رنگی غیر معمول، متفاوت از رنگ لباس های سفید شمایل رستاخیز، در بردارد.



**پیر:** در واقع، رنگ سفید و درخشان لباس مسیح در شمایل رستاخیز و نیز در شمایل تجلی مسیح، بیانگر پیروزی پر جلال او بر مرگ است. اما در این جا، در شمایل صعود، ردای مسیح خاکستری کم رنگ و خاکی رنگ، یادآور راز نهانی صعود است. مسیح با انسانیت خود به سوی پدر صعود می کند، او مارا با خود می برد و راه ما را به سوی پدر خود می گشاید. رنگ لباس این راز نهانی را یادآوری می کند که در مسیح، دنیای ما به هدف خود یعنی «پیوند تثلیث اقدس» رسیده است. حال همان طوری که رنگ ردای مسیح را ملاحظه نمودی نگاهی به لباس های اشخاص دیگر در شمایل نیز بینداز.



**جوان:** لباس های سفید فرشتگان حامل مسیح هم رنگ لباس های رسولان است در حالی که دو فرشته ای که در دو طرف مریم قرار دارند به ردهایی سفید رنگ ملبس هستند.



**پیر:** فرشتگانی که لباس قرمز به تن دارند آنهایی هستند که شاهد تن گرفتن ورنج و عذاب او بوده اند؛ زیرا هرگاه مسیح با بدن جلال یافته خود به آسمان صعود می نماید. نشانه ی تصلیب بر این بدن محفوظ است. متنی از عهد عتیق (اش ۶۳: ۱-۳) که در شب عید صعود خوانده می شود، مسیح رنج دیده و جلال یافته را که به سبب قربانیش به لباس قرمز ملبس است تشریح می نماید:





- این کیست که مانند انگور چین، ملبس به لباس سرخ با لکه های ارغوانی می آید؟  
 کیست آن کسی که چنین با شکوه خود را در لباس پیچیده است  
 و در کثرت اقتدار خویش می خرامد؟<sup>۱</sup>  
 - این منم که به عدالت تکلم می کنم و برای نجات زور آور می باشم.  
 - چرا لباس تو سرخ است و جامه ی تو مثل کسی که چرخشت را پایمال می کند؟  
 - من چرخشت را تنها پایمال نمودم و احدی از قوم من با من نبود.

و اما درباره ی دو مردی که لباس سفید برتن دارند (اع ۹: ۱-۱۱) آنها یادآور مردانی هستند که در روز رستاخیز، در داخل قبر مسیح برزنان ظاهر شده و به آنها اعلام نمودند که وی زنده است (لو ۲۴: ۴؛ یو ۲۰: ۱۲). بنا بر این، سرشت انسانی - که با لباس های خونی و خاکی رنگ فرشتگانی که عیسا را بالا می برند نمایش داده می شود - اکنون در آسمان است در صورتی که سرشت الاهی - که رنگ سفید لباس های فرشتگانی که با رسولان در حال صحبت می باشند نشانگر آن است - از این به بعد بر روی زمین است همان طوری که آتاناسیوس قدیس می گوید: «خدا انسان گردید تا انسان خدا گردد».

صعود



شمایل سریانی، سال ۱۲۲۶ میلادی

«اگر نروم مدافع نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم او را نزد شما می فرستم.» (یو ۱۶: ۷).

۱- این متن با توجه به اصلاحاتی که در متن یونانی «هفتاد تنان» صورت گرفته، ترجمه شده است.

این دو فرشته که لباس سفید برتن دارند بازگشت پرجلال مسیح در زمان آخر را اعلام می نمایند. آنها گاهی با دردست داشتن طوماری گشوده نمایش داده می شوند که براین طومار چنین مکتوب است: «ای مردان جلیلی، چرا ایستاده به سوی آسمان می نگرید؟ همین عیسا که از نزد شما به آسمان بالا برده شد بازخواهد آمد به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید.» (اع: ۱۱). در قطعه ای از نبوت زکریای نبی که در شب عید صعود قرائت می شود بازگشت عیسا بر کوه زیتون (تپه ای در مجاورت اورشلیم) یعنی درست همان جایی که صعود در آن اتفاق افتاد تعیین می شود (اع: ۱۲: ۱). «پاهای او بر کوه زیتون که از طرف مشرق به مقابل اورشلیم است خواهد ایستاد» (ر. ک: ۱۴: ۴). به همین دلیل است که در شمایل، این کوه با چند سراسیبی و چهار عدد درخت زیتون نمایش داده شده است.

**جوان:** حتامی توان گفت حد کوه و درختان، صفحه ی شمایل را به دو نیم می کند، در یک قسمت آن آسمان و عیسا و در قسمت دیگر آن زمین و مریم مادر خدا و رسولان قرار دارند اما چرا رسولان دوازده نفرند؟ یهودا پس از خیانت خود را حلق آویز کرد (اع: ۱۸: ۱-۱۹) و بعد از صعود مسیح، متیاس به جانشینی یهودا انتخاب شد (اع: ۱۳: ۲۴).

**پیر:** سؤال تو کاملاً به حاست. رسولان دوازده نفر هستند چون پولس رسول همراه با یازده رسول، نمایش داده شده و می توانی او را در طرف چپ مادر خدا ملاحظه کنی. او به خوبی قابل شناسایی است چون همیشه با سرتاس و ریش باریک نمایش داده می شود. در طرف راست مریم، پطرس قرار دارد (با موهای کوتاه و مجعد و ریش تویی). پولس به این خاطر به جمع رسولان افزوده گردیده که گرچه مانند دیگر رسولان، قبل از رنج و عذاب مسیح با وی نبود ولی مسیح رستخیز کرده را در راه دمشق دید (اع: ۹: ۵؛ ۲۲: ۸؛ ۲۶: ۱۵). پولس، نماینده ی ایماندارانی است که در کلیسا و در طول قرون، مسیح را اعلام می نمایند. به تصویر در آوردن پولس در شمایل نشانه ی آن است که رؤیت کلیسا رؤیتی موقتی نمی باشد چون مشارکت در ایمان به ملکوت خدا، از طریق روح القدس تمام مرزهای زمانی این دنیا را از بین می برد.

**جوان:** در بین لباس های رسولان هم رنگ های قرمز و هم رنگ های سبز وجود دارد.

**پیر:** بلی، رنگ سبز، رنگ امید و رنگ روح القدس است. در واقع روز صعود، مسیح به شاگردان خود وعده می دهد که روح القدس که وثیقه ی امید ماست بر آنها فرود خواهد آمد. در شمایل «تثلیث» اثر روبرف فرشته ای که روح القدس را مجسم می نماید ملبس به لباس سبز می باشد. اما رنگ قرمز نه تنها نشانه ی خون و خاک بوده بلکه نماد محبت نیز می باشد.

۲- لوقا در انجیل خود می گوید که عیسا درست قبل از صعود خود، شاگردان را «تا بیت عنیا برد» (لو: ۲۴: ۵۰) پس کوه زیتون که باز لوقا در اعمال رسولان (۱: ۱۲) رویداد صعود را بر آن قرار می دهد درست بر سر راه بیت عنیا واقع است (ر. ک: حزق: ۱۱: ۲۳).

جوان: عده ای از رسولان با انگشت یا با سرشان به عیسا و آسمان اشاره می نمایند ولی دیگران مریم را که ایستاده در حال دعاست نظاره می کنند.



پیر: مریم، مادر خدا در این حالت نماینده ی کلیسا می باشد.



جوان: من چیز دیگری را هم در شمایل می بینم و آن این که به نظرمی رسد شمایل از پائین به وسیله ی مریم و از بالا به وسیله ی عیسا به طور عمودی به دو قسمت تقسیم می شود. آیا مفهومی در آن نهفته است؟



پیر: اگر این ملاحظه ی تو را با آن چه که قبلاً در مورد جدایی آسمان و زمین توسط حدّ کوه ذکر کردی در کنار هم قرار دهیم به امری بسیار قابل توجه خواهیم رسید و آن این که مریم و پسرش که توسط فرشتگان حمل می شود در حالی که با آسمان و زمین علامت صلیب را تشکیل می دهند آن دو را دوباره به هم متصل می کنند.



دیدن حالت درختان زیتون ما را به این فکر وامی دارد که تمام طبیعت به تجلیل از خدا پرداخته و طبیعتی که از گناه کدر شده بود به فیض قربانی شدن عیسا بر صلیب، شفافیت خود را دوباره به دست آورده است.

می بینی که تفسیر شمایل چقدر می تواند جالب باشد. اما این کار نباید مطلقاً برای معنا بخشیدن به تمام خطوط و رنگ های شمایل درآید زیرا شمایل مبین راز ایمان بوده و با تشریح زیاده از حد آن ما خود را عاری از عاطفه ساخته از ستایش آن نیز بازمی مانیم چون شمایل تنها به این دلیل وجود دارد که خدا تن گرفت و به این سبب است که حقیقت را تجلی می بخشد. شمایل وجود دارد تا ما را تعلیم دهد و در دعا و ایمان روزمره یار و یاور ما باشد.



همراه با سرود، شمایل به ما اجازه می دهد که همراه با این دو به راز کلیسای عمیق تر فروروییم. پس با این نیت سرود مار اپرم را بخوانیم و هم چنین سرودی از کلیسای ارمنی.

حضرت اپرم<sup>۳</sup> عید صعود مسیح را این طور تعمق کرده است:  
 اکنون شما محزون می باشید،  
 لیکن باز شما را خواهیم دید.  
 و دل شما شاد خواهد گشت  
 و هیچ کس نمی تواند آن شادی را از شما بگیرد.  
 ای بره ی مذبح و بیاحتسته،  
 مستحق گرفتن کتاب و گشودن مهرهایش هستی،

۳ - حضرت اپرم از الاهی دانان بنام کلیسای آشور - کلدانی می باشد که در سال ۳۰۶ میلادی در نصیبین متولد و در سال ۳۷۳ در شهر ادسا وفات یافت.

زیرا که ذبح شدی  
 و مردمان را برای خدا با خون خود،  
 از همه ی ملت ها با خرید کردی.  
 امروز آن نان نوین روحانی،  
 به آسمان صعود کرد.  
 در تن او، که مانند هدیه ای بالا برده شد، رازها آشکار گشت.  
 آن کاهن بزرگ از نسل ابراهیم،  
 و آن بره از خاندان داود نزد ما آمد.  
 او برای ما کاهن نوین  
 و هم چنین جهت ما بره ی خدا گردید.  
 ...  
 از آسمان چون نور فرود آمد.  
 از مریم مانند بذرا الهی تولد یافت.  
 از صلیب چون میوه ای رسیده فرو افتاد.  
 و به آسمان مثل نوبر بالا برده شد.  
 تو نذر آسمان و زمین هستی،  
 که نخست قربانی و سپس تمجید شدی.  
 ای خداوند، تو نزول نمودی تا قربانی گردی،  
 و صعود کردی که تنها هدیه ی انسانیت ما باشی.

در سرودی از کلیسای ارمنی درباره ی این موضوع می خوانیم:

چون خداوند شاگردانش را برکت می داد،  
 از ایشان جدا گشته، به سوی آسمان بالا برده شد.  
 خوشا به حال آنانی که  
 رخت های خود را در خون بره می شویند  
 چون خواهند توانست  
 از درخت زندگی بهره برند  
 و به دروازه های شهر مقدس درآیند.  
 ای پسر خدا، در مرگ ما شریک شدی  
 حال ای پادشاه پرشکوه،  
 ما را سزاوار گردان



تا در جلال تو شریک باشیم  
 کلیسا و تمام مقدسین،  
 با سرودهای ستایشگر تو را می سرایند.  
 ای مسیح، تو با خود  
 انسان کهنه و فرسوده را مصلوب کردی  
 و محرک گناه را بر صلیب شکستی  
 با این درخت زندگی که بر آن بسته شدی،  
 ما را آزاد نمودی.  
 خون تو باعث شادی و سرمستی تمام جهان گشت.  
 کلیسا و تمام مقدسین،  
 با سرودهای ستایشگر تو را می سرایند.

...

رخت خویش را بر انسانیت ما پوشانیدی  
 و از تن و خونت، ما را طعام بخشیدی.  
 آن قربانی که به پدر در کمال محبت هدیه کردی،  
 نثار تن مقدست بود که از ما گرفته بودی.  
 تو در حشمت و جلال به میان ابرها صعود کردی.  
 در نظر فرشتگان که با تحسین از خود می پرسیدند:  
 این کیست که با شتاب از ادموم سر می رسد؟  
 اعضای کلیسای تو نهایت حکمت تو را آموختند.

...

تو را ای پادشاه پرشکوه  
 که بر آسمان صعود می کنی  
 و پدر جاودانی و روح القدس حامی را،  
 سپاس باد  
 در کلیسا و تمام مقدسین  
 اکنون تا ابدی روز کمال .



سوال برای تعمق بیشتر:

- ۱- معمولاً لباس مسیح در شمایل صعود چه رنگی دارد و معنی آن چیست؟
- ۲- تفاوت های وضع هیئت و رفتار حضرت مریم با رسولان چیست؟